



## نگاهی به فیلم «گلچهره»

(شهرام خرازی‌ها)

«گلچهره» از آن دست فیلم‌هایی است که فقط عاشقان و شیفتگان سینما می‌فهمند که چقدر با عشق ساخته شده است. تماشای این فیلم را به تمام دلباختگان سینما و بالخصوص دانشجویان این رشته توصیه می‌کنم.

«ایشرف‌خان» (مسعود رایگان) صاحب سینمای ویران شده‌ای به نام «گلچهره» در افغانستان است. او می‌کوشد تا سینما را در افغانستان جنگ زده احیاء کند.

«ایشرف‌خان» به مشهد می‌رود تا «گودرز» (هدایت هاشمی) را برای تعمیر آپارات سینما به افغانستان بیاورد. «گودرز» آپارات را تعمیر می‌کند. سینما «گلچهره» بازسازی و با نمایش فیلم «بای سیکل‌ران» افتتاح می‌شود اما دوباره توسط افغان‌هایی که سینما را حرام می‌دانند، ویران می‌شود.

«ایشرف‌خان» که دل در گرو عشق پزشکی بیوه‌ای، دکتر «رخساره» (لادن مستوفی) دارد به کمک او و «گودرز» که امکان خروج از افغانستان را ندارد، فیلم‌های فیلمخانه ملی افغانستان را داخل دیوار جاسازی و مخفی می‌کند.

«ایشرف‌خان» به جرم فساد و فحشاء دستگیر می‌شود. «رخساره» بالاجبار به عقد مردی در می‌آید که چند همسر دارد و از او صاحب فرزند دختری می‌شود که اسمش را می‌گذارد رخساره و ....

«گلچهره» از آن دست فیلم‌هایی است که فقط عاشقان و شیفتگان سینما می‌فهمند که چقدر با عشق ساخته شده است.

«وحید موسائیان» این بار دوربینش را به افغانستان برده تا در آنجا تضاد سنت (طالبان) با مدرنیسم (سینما) را در قالب داستانی جذاب، پر فراز و نشیب به نمایش بگذارد.

ساختار مضمونی و بصری «گلچهره» به گونه‌ای است که هم تماشاگر عام و هم تماشاگر نخبه از دیدنش لذت می‌برند. گر چه مکان رخدادها افغانستان است اما به نظر می‌رسد که پیام فیلم «گلچهره» به اکثر ممالک در حال توسعه، جهان سوم و کلاً فرهنگ‌هایی که سینما و هنرهای مدرن را بر نمی‌تابند، قابل تعمیم است.

سکانس‌های در یاد ماندنی فیلم کم نیستند از جمله: واکنش‌های تماشاگران نسبت به فیلم‌های که در سینما «گلچهره» به نمایش در می‌آیند، نماز خواندن در فیلمخانه، تیرباران «ایشرف‌خان» در سالن سینما، نفت‌پاشی روی نوارهای سلولوئید و فیلم سوزان.

«گلچهره» در تیتراژ افتتاحیه به شادروان «علی حاتمی» تقدیم شده است که البته تقدیم بی‌ربطی است! فیلم قصه خود را بسیار راحت و روان تعریف می‌کند.

بازی‌های فیلم درخشان نیستند اما از حد متوسط بالاترند. «مسعود رایگان» در نقش یک افغانی

دلبسته سینما بسیار پذیرفتنی است. بهترین نقش آفرینی فیلم از آن «حسین محب اهری» در نقش یک فرمانده طالبان به نام «ملا قادر» است. با آن که گویش و لهجه هنرپیشه‌ها افغانی است اما تماشاگر فارسی زبان به راحتی متوجه دیالوگ‌ها می‌شود.

«گلچهره» از آن دست فیلم‌هایی است که هم برای ارسال به فستیوال‌های فرنگی مناسب است هم برای اکران عمومی در شهرستان‌ها البته به شرط آن که قرپانی تصمیم‌گیری‌های نابجا نشود. تماشای این فیلم را به تمام دلباختگان سینما و بالخصوص دانشجویان این رشته توصیه می‌کنم.

شهرام خرازی‌ها